

معدن

۲۴ فوریه ۲۰۱۸

فتیشیسم رشد

که رشد به منافع خاصی خدمت می‌کند — شرکت‌ها، پیمانکاران، دولت — و هزینه‌هایش را به دیگران منتقل می‌کند: کارگران، جوامع، اکوسیستم‌ها. دارد — ایدئولوژی‌ای که رشد اقتصادی را ضروری، طبیعی و خوب می‌پندارد. زیر سؤال بردن رشد، ساده‌لوحی یا خیانت تلقی می‌شود. در حالی واحد نهفته است: تبدیل سریع به پول. تولید سریع انرژی. ساخت سریع ساختمان، جاده، فرودگاه. پشت این انگیزه یک فتیشیسم رشد جدی وجود معدن، زغال‌سنگ، انرژی، ساخت‌وساز، طلا. پشت همه اینها یک انگیزه «پشت اینها یک فتیشیسم رشد جدی وجود دارد.»

انرژی در حال توسعه است — با برجسب «انرژی پاک» — اما شرکت‌ها بخار گرم‌شده را به جای تزریق به زیرزمین، به رودخانه‌ها و هوا رها می‌کنند. عظیم ماسه برای ساخت‌وساز، مصرف انرژی ژئوترمال، فروپاشی کشاورزی، صیادی، جنگل‌داری. در ترکیه، انرژی ژئوترمال سریع‌ترین بخش نه قیمت‌گذاری، بلکه روابط قدرت و سیاست را در مرکز قرار می‌دهد. استخراج‌گرایی — اکستراکتیویسم — فراتر از معدن‌کاری می‌رود: استخراج و ساده‌انگارانه است. مشکل در تعارض میان برندگان و بازندگان، در شکست‌های کنش جمعی، در عدم تقارن قدرت نهفته است. اقتصاد اکولوژیک مشکلات زیست‌محیطی از فقدان قیمت‌گذاری بازار ناشی نمی‌شوند — این نگاهی تقلیل‌گرایانه

انرژی ساخت‌وساز مصرف می‌کنند. اما قاب‌بندی نئولیبرال مسئولیت را بر دوش فرد می‌اندازد: «اگر مخالف معدن هستی، از برق استفاده نکن.» سؤال اصلی را پنهان می‌کند: انرژی برای چه کسی؟ برای چه هدفی؟ بیشتر برق را نه مصرف‌کنندگان فردی، بلکه کارخانه‌های سیمان، مراکز خرید، است. آمارهای رسمی مازاد انرژی نشان می‌دهند؛ کمبود، ساختاری مصنوعی است که با ایدئولوژی رشد توجیه می‌شود. گفتار «به انرژی نیاز داریم» روایت کمبود انرژی نیز یک مه‌آلودسازی

بیست و پنج سال مقاومت

است. Cerattepe — کوهی که به مرکز شهر چسبیده — جنجالی‌ترین منطقه است. اگر Artvin استانبول بود، همان Cerattepe همان تکسیم می‌شد. جایگاه Artvin در مبارزات معدنی ترکیه، باید به مقاومتی که از سال ۱۹۹۳ تاکنون ادامه دارد نگریست. در این استان حدود ۳۰۰ مجوز معدن فعال برای درک

«تصور کنید Artvin کجاست. محل معدن را هم تکسیم تصور کنید. اصل ماجرا همین است.»

حقوقی، حضور رسانه‌ای، مداخله هنری/فرهنگی، اقدام مستقیم، همبستگی بین‌المللی. وقتی یکی از اینها ضعیف شود، کل ساختار آسیب می‌بیند. از ۲۵ سال: خانه به خانه سازماندهی، رد سه شرکت معدنی، پیروزی در دو پرونده قضایی. سوم، استراتژی چندوجهی — تحلیل آکادمیک، مبارزه این شبکه پراکنده جغرافیایی، ظرفیت تقویتی ایجاد می‌کند که جنبش‌های صرفاً محلی قادر به آن نیستند. دوم، مقاومت محلی سازمان‌یافته بیش شبکه دیاسپورای قوی: هر جا که Artvin‌ها مهاجرت کرده‌اند — استانبول، آنکارا، ازمیر، آنتالیا، موغلا — برای مسائل زادگاهشان بسیج می‌شوند. سه دلیل برای دیده‌شدن نامتناسب Artvin وجود دارد. اول،

چپ روشنفکری، گروه کر مردمی، کار حقوقی و رسانه ممکن گردید — و به عنوان بزرگ‌ترین موفقیت ترکیه در این حوزه توصیف می‌شود. فرآیندی که منجر به خروج گروه Anadolu از سرمایه‌گذاری سه میلیون دلاری در Gerze شد، با هم‌افزایی

من نخواستم. این‌طوری‌ام کردند.» سردبیر، طراح، موسیقی‌دان Artvin Yerel — همه یک نفر، چون مقاومت، چندوجهی بودن را الزامی می‌کند. — اما در اثر فشار شرایط می‌آموزد: فتوشاپ (برای پوست‌های اعتراضی)، تدوین ویدئو، کمانچه (برای مستندسازی فرهنگی). «شرایط مجبورم کرد. همچنین داستان تحول شخصی است. کسی که زبان لازی‌اش را از دست داده، هر تابستان به زادگاهش باز می‌گردد، نسل چهارم معدنچی نیست اما فعالیت حقوق بشری

Fatsa بزرگ‌ترین بازار فندق ترکیه است؛ مزارع اطراف با معدن‌کاری چپاول شده، کیفیت افت کرده، بازارهای ایتالیایی محصول را رد می‌کنند. است — جاده‌های سبز را توضیح می‌دهد: ۹ متر عرض، ادعا می‌شود برای توریست‌ها ساخته شده اما در واقع کامیون‌های حفاری از آنها می‌گذرد. «طرح جامع» شرق دریای سیاه — که به عنوان مسیر گردشگری معرفی می‌شود اما در واقع نقشه استخراج انرژی/معدن/سد برق

نام قاتل

اما نام قاتلان را هم نمی‌دانیم. افشاگری — نام‌گذاری شرکت‌ها، نقشه‌برداری ساختارهای مالکیت، شناسایی تصمیم‌گیران — یک عمل سیاسی است. رسانه‌ها در حوادث معدنی به طور معمول نام شرکت‌ها را پنهان می‌کنند. اغلب نام کشته‌شدگان را نمی‌دانیم —

«فکر می‌کنم شاید یادآوری نام قاتل کشنده برایتان آسان نباشد. نگاه کنید. هیچ چیزی نیست!»

کشته می‌شوند اما این مرگ‌ها چون پراکنده‌اند نادیده می‌مانند. وقتی ۳۰۱ نفر یکجا می‌میرند خبر می‌شود؛ مرگ‌های یک‌به‌یک بی‌صدا می‌گذرند. دادن و خون‌بها بسته می‌شوند. کارگران چینی می‌میرند، در محل دفن می‌شوند، ثبت نمی‌شوند، ناپدید می‌شوند. روزانه تقریباً ۷ تا ۸ کارگر معدن شکاف میان آمارهای رسمی و واقعیت، عمیق و گسترده است. تخمین زده می‌شود هفتاد درصد از مرگ‌های معدنی ثبت نشده‌اند — با دست

لایه‌لایه با مکان را پاک می‌کند. سالخوردگان می‌مانند اما جوانان مهاجرت می‌کنند — ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش جمعیت — و بافت اجتماعی می‌برد. را زیر آب بردید، ما را کوچاندید — حالا هم جاده می‌خواهید؟» کوه‌ها و دره‌ها تاریخ‌هایی تجسم‌یافته حمل می‌کنند. معدن‌کاری روابط زمانی جدید منتقل شده‌اند؛ سپس خواسته شد که جاده‌های معدن از میان Oruçlu جایجاشده بگذرد. روستاییان: «زمین اجدادی‌مان را گرفتید، مزارعمان دو روستا برای سد زیر آب مانده‌اند — Sirya (Zeytinlik)، با زیتون‌کاری سنتی، و Oruçlu. هر دو به روستاهای

فرزندان و همسران در معادن کار می‌کنند؛ پدر و مادرها مخالف نیروگاه حرارتی هستند. شرکت معدنی می‌گوید: «به هر حال استخراج می‌کنیم.» — یک Soma دیگر در راه است. معدن زغال‌سنگ و نیروگاه حرارتی در منطقه‌ای ساخته شده که جمعیت کشاورز و ماهیگیر در آن زندگی می‌کنند.

در Bartın — در Tarlaağzı

زخم‌های زمین

روپاز بر زمین برجای گذاشته‌اند آشکار می‌کند. هر تصویر از ماهواره فقط یک نقطه به نظر می‌رسد — اما در سطح زمین، ابعاد فاجعه‌آمیز دارد. یک هنرمند تصویری، با عکس‌های ماهواره‌ای «زخم‌هایی» را که معادن

داده از اطلس عدالت محیط‌زیست استخراج می‌شود. فرآیند تولید خودش "کار دیوانه‌وار" است — مادیت، دیوانگی معدن‌کاری را بازتاب می‌دهد. «دستکاری رنگ برای آشکارسازی فرآیندهای اکولوژیک عمدی است. هر معدن نام‌گذاری می‌شود،

بستر دریا را می‌فروشد. اقیانوس‌ها نه تنها محل استخراج، بلکه محل دفن دی‌اکسیدکربن هم تعیین می‌شوند — اقیانوس‌های آینده، زباله‌دان کربن. را هزاران کیلومتر آلوده کرد. با تحلیل رفتن معادن خشکی، استخراج به کف اقیانوس‌ها کشیده می‌شود — جزایری مثل Palau حقوق معدن‌کاری از بایر برجای می‌گذارد. استخراج‌های زهرآلود: مخازن پسماند شیمیایی. در سال ۲۰۱۵، فروریختن سد Bento Rodrigues در برزیل، رودخانه Doce چشم‌اندازهای مرده: برداشتن خاک بالایی، زمین

فاجعه عمدی است — توجه بیننده را جلب می‌کند، سپس وحشت زیر آن را آشکار می‌سازد. ناراحتی میان «زیبا» و «سمی» هدفمند است. به شدت بر محتوای سیاسی متمرکز است اما به مشکلات زیست‌محیطی بسیار کم می‌پردازد. این خلأ، انگیزه این کار است. زیبایی‌سازی زیباشناختی هنر معاصر

داشته می‌شوند. اینفوگرافیک‌ها، جداول، چرخ‌ها، عکس‌ها، ویدئو — ابزارها تغییر می‌کنند اما همه از فرآیند تحقیق و آرشیوسازی گسترده می‌گذرند. عصر یخبندان. گذار از آموزش اقتصادی به هنر، یک گسست نیست، بلکه شکل متفاوتی از تلاش برای دیدنی کردن سیستم‌هایی است که پنهان‌نگه زیرآب‌مانده، چشم‌اندازهای بمباران‌شده، ترکیب‌بندی‌های آخرالزمانی می‌آفرینند. آینده‌های اقلیمی را مرجع قرار می‌دهد — مثلاً لندن در شرایط تصاویر رسانه‌ای فاجعه — جنگ، ساختمان‌های در آتش، یخچال‌های طبیعی در حال ذوب — ساخته شده‌اند. این تصاویر به هم دوخته شده، دنیاها یک مجموعه کار دیگر، پانوراما‌هایی است که از

سوما یعنی بدن

یافت، داستان گذار از کمال‌گرایی فنی هدف‌محور به آگاهی جسمانی است. بدن در سه ثبت مجزا بررسی می‌شود: ذهن، روان‌شناسی، و خرد حرکتی. یک هنرمند رقص، از بدن به عنوان اولین قلمروی سیاسی-اکولوژیک دفاع می‌کند. سفری که با باله آغاز شد و به تمرین سوماتیک تکامل

محیط تاریک کار می‌کند تا ماده معدنی درون خود را استخراج کند. معدنچی هم در زیر زمین کار می‌کند. برای رسیدن به ماده معدنی‌ای که نمی‌شناسد. «رقصنده هم در واقع در یک

ماده معدنی به زیرزمین می‌رود؛ رقصنده در تاریکی به دنبال حقیقت کار می‌کند. مکان‌هایی که هر دو در آن گرد می‌آیند «سالن» نامیده می‌شود. هر دو از بدن‌ها ارزش استخراج می‌کنند، هر دو بدن‌ها را سریع می‌فرسایند، هر دو در بالای فهرست «بدترین مشاغل» قرار دارند. معدنچی به دنبال معدن‌کاری و رقص از نظر ساختاری یکسانند:

دو ساعت بداهه‌پردازی فشرده انجام می‌دهند. سپس مهندس اعلام می‌کند که درست در همان نقطه یک کانال نقره با کیفیت بالا کشف شده است. می‌رود، با یک مهندس معدن آشنا می‌شود: «می‌توانیم در معدن بداهه‌پردازی کنیم؟» گروه وارد معدن می‌شود، یک فضای بزرگ پیدا می‌کنند، پیوند با Soma از طریق یک کشف تصادفی برقرار می‌شود. هنرمند برای یک کارگاه تئاتر به Çanakkale

هم نیاید. «هنرمندان به خودسانسوری وادار می‌شوند — یادبود از نظر سیاسی خطرناک است چون به یاد سپردن یعنی زیر سؤال بردن سیستم. از بالا و بودن در زیرزمین را هم‌زمان احساس می‌کند. اما تأمین‌کنندگان مالی نمی‌خواهند نام Soma ذکر شود: «Soma را بردارید. حتی نام Soma قاب‌بندی شده حول کار و یادبود — از سال ۲۰۱۶ اثری است که تکرار می‌شود. تماشاگران از سه طرف، از بالا نگاه می‌کنند — اجرا، فاصله دیدن فاجعه (Soma 2014) این پیوند را عمیق‌تر می‌کند. اجرای «بدترین شغل» — کلاه ایمنی معدنچیان فرستاده شده از Soma،

بیان می‌کنند، درد را ثبت می‌کنند. تا زمانی که از آگاهی بدن فردی به فهم بدن جمعی گذار نشود، کار محیط‌زیستی در مقیاس کلان شکست می‌خورد. فردی — آینه‌ای است برای خشونت دنیای بزرگ‌تر. پدیدارشناسی بدنی، فهم اکولوژیک را پایه‌ریزی می‌کند: بدن‌ها انرژی مصرف می‌کنند، قدرت فهمی از بدن اکولوژیک که دینامیک‌های بدن فردی را بازتاب سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک بزرگ‌تر می‌داند. تلاش، قدرت، خشونت در حرکت از کلان به خرد نه، بلکه از خرد به کلان بازشدن:

داخلی سمی ناشی از ساخت‌وساز مجاور؛ پروژه تماس پای برهنه با خاک — دانشجویان برای کارکرد درست به هوای آزاد، تماس با خاک نیاز دارند. بلکه کانون سرکوب سیستمیک، مقاومت، و رابطه اکولوژیک است. پنجره‌هایی که به زور در ساختمان رقص ممار سینان باز شدند برای مقابله با هوای کار با افرادی که «معلول» برچسب می‌خورند، کارگاه‌های رقص/آگاهی بدنی در زندان — نشان می‌دهد که بدن نه فقط یک ارگانسیم فردی، پروژه‌های رقص با بدن‌های مختلف — ۱۵۰ شرکت‌کننده،

کیلومترها خاکستری

منبع آب استانبول، فاصله دارند. هر روز دینامیت منفجر می‌شود — ابرهای گرد و غبار ۲۰ تا ۲۵ دقیقه‌ای، پنجره‌های شکسته، دیوارهای ترک‌خورده. عکاس، معادن سنگ اطراف استانبول را شش ماه مستند می‌کند. ۱۶ معدن فعال نزدیک روستای Cebeci فقط ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر از سد Alibeyköy، یک

معدن جان سالم به در برده‌اند. اشباع بیش از حد رنگ، تخریب را زیبا می‌کند؛ تکرنگ، در حین مستندسازی شرایط واقعی بر تیرگی تأکید می‌کند. «کار در تن‌های خاکستری یک انتخاب آگاهانه است. سبز فقط در جاهایی دیده می‌شود که از گسترش

کارگر روزانه؛ عکاس ۱۰ روز کار می‌کند، ۴ تا ۵ روز در بهداری می‌افتد. لاستیک کامیون‌ها ۲ تا ۲.۵ متر قطر دارند — مقیاس واقعا وحشتناک است. سبز وجود ندارد. زغال سنگ در حال احتراق مداوم — نه فقط گرد زغال، بلکه احتراق فعال. مه مداوم مونوکسیدکربن و دی‌اکسیدکربن. ۴۰،۰۰۰ اما Soma یک مقیاس دیگر است: «کیلومترها، کیلومترها، کیلومترها می‌روید.

چه کار می‌توانیم بکنیم» — درماندگی در برابر این مقیاس به مداخلات کوچک منجر می‌شود: پروژه‌های پای برهنه روی خاک، سبزه‌کاری استنسیلی. سنگ سر برمی‌آورند. شهر به گزینش زیبا می‌شود، در حالی که ظرفیت اکولوژیک خود را نابود می‌کند. «این را فهمیدیم. چه کار می‌توانیم بکنیم، استانبول امتداد می‌یابد. مناطق «زیبای» جدید استانبول — تحول Bomonti، منطقه هیلتون — هم‌زمان با فروپاشی اکولوژیک در مناطق معدن سفری که با مستندسازی پل سوم آغاز شد، به مستندسازی فرودگاه سوم می‌رسد، و از آنجا به کل تحول شهری

همه می‌دانستند

— چون راه دیگری نبود. کشاورزی عمدا فروپاشیده شده، جمعیت‌های روستایی به معدن‌کاری و ساخت‌وساز به عنوان تنها گزینه رانده شده‌اند. کارگران، مهندسان — از خطر آگاه بودند و آن را پذیرفته بودند. نه غفلت فردی، بلکه تراژدی ساختاری. کارگران با «علم و اطلاع» خطر را پذیرفتند در Soma سیستم «درست» کار کرد. سیستم‌های هشدار فعال شدند. همه —

«می‌بینم و حس می‌کنم که هژمونی نئولیبرال به نوعی به همه ما نفوذ کرده، کمی مغزمان را خورده است.»

ساختاری است — به منافع معدن‌کاری خدمت می‌کند. اگر یادبود به عنوان یک عمل سیاسی حفظ نشود، سیستم فراموشی را عادی‌سازی می‌کند. شش فاجعه معدنی دیگر دنبال شدند، هر یک با حداقل توجه. مرگ‌های دو یا سه رقمی خبر می‌شوند؛ مرگ‌های یک رقمی سکوت است. این فراموشی به کلیدواژه فداکاری/تراژدی ترکیه شد. اما حافظه جمعی به سرعت در حال محو است. تا دومین سالگرد، رویدادهای همبستگی کاهش یافته بود. ۳۰۱ مرگ، وجدان ملی را دگرگون کرد — Soma تبدیل

— اما در واقع برای سود شرکت‌ها. کارگران سلامت و زندگی‌شان را فدا می‌کنند. خطابه «برای گرم نماندن» توزیع واقعی قدرت را پنهان می‌کند. اینجا برهنه‌ترین شکل خود را نشان می‌دهد: نیروگاه‌های حرارتی زغال سنگ می‌سوزانند، شهرها را گرم می‌کنند، ظاهراً برای رفاه شهروندان عزاداری — ۳۰۱ خانواده، هر یک غرامت متفاوتی دریافت کرده — شکاف‌هایی در درون جامعه ایجاد کرده است. مه آلودسازی رابطه کار-طبیعت خود Soma هنوز فعال است. خانواده‌ها با تروما، ویرانی اقتصادی، عزا زندگی می‌کنند. پیچیدگی

وقتی مردم می‌گویند «خانواده‌ام باید زندگی کند» می‌دانند که معادن مخرب هستند اما درماندگی اقتصادی به طور سیستماتیک بهره‌کشی می‌شود. تغییر کرده است. این فرآیند که جمعیت‌های روستایی را به معدن‌کاری و ساخت‌وساز به عنوان تنها گزینه می‌راند، ظرفیت مقاومت را هم می‌شکند: جایگزین‌هاست. کشاورزی ترکیه عمداً فروپاشیده شده — این مردم بیست سال پیش در کشاورزی بسیار راحت‌تر زندگی می‌کردند. حالا زندگی وقتی «من این را نمی‌خواهم» را بدون جایگزین می‌گویید، شانس ماندگاری پایین است. مقاومت واقعی نه تنها مخالفت با معادن خاص، بلکه ساختن

به عنوان تنها مانع موجود در برابر گسترش معدن ایستاده است. تعارضات معدنی در Kaz Dağları بارها اهمیت این قانون را یادآوری می‌کند. را هم در بر بگیرد. انتخاب‌های مصرف‌کننده فردی ناکافی است؛ تحول ساختاری ضروری است. قانون زیتون — قانون درخت زیتون — در ترکیه بازسازی قابلیت زیست کشاورزی، ایجاد گزینه‌های اقتصادی — مقاومت باید اینها

— نه مداخله یک‌باره. چون عزاداری پیچیده است: ۳۰۱ خانواده، هر یک غرامت متفاوتی دریافت کرده، شکاف‌ها ایجاد شده. ماجرا بسته نشده است. به Soma در تابستان با یک تیم مختلط — آکادمیک، هنری، فعال. بدون نتیجه از پیش تعیین‌شده، یک درگیری آزمایشی. کندی عمدی. حضور مداوم این نشست به سمت یک خروجی مشخص پیش می‌رود: رفتن

Kaz, تولید گزارش در Soma، تحقیق میدانی از ترکمنستان تا اکوادور — حوزه‌های آکادمیک، فعال و هنری به طور هم‌زمان به کار می‌روند. می‌کند که تحلیل انتزاع می‌کند. مقاومت مؤثر به درگیری هم‌زمان چندمنظره نیاز دارد. قدم زدن در تقریباً همه معادن و مناطق معدنی Kaz Dağları انگیزه سود را نشان می‌دهد؛ اکولوژی، هزینه محیط‌زیستی را؛ مطالعات کار، شرایط کارگری را؛ تاریخ، مسیرهای منطقه‌ای را؛ هنر، چیزی را دیدنی هیچ رشته‌ای به تنهایی پیچیدگی معدن‌کاری را به چنگ نمی‌آورد. اقتصاد،

به درگیری مداوم متعهدند — و به برنامه‌ریزی پروژه مشخص منتهی می‌شود. این کار کردن در زمان‌های تاریک است با رویارویی با تاریکی. را نشان می‌دهد: نه سلسله‌مراتبی، نه جداگانه، نه بی‌جسم، نه تسلیم‌شده. با وجود مستندسازی بی‌عدالتی‌های عظیم، شرکت‌کنندگان نشست معدن، الگوی عملی همکاری روشنفکری-هنری-فعال